

پرسش ۱۵۴: سخن خداوند متعال: «الم ترى الى الذي حاج ابراهيم....»

السؤال / ۱۵۴ : قال تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) [603]. ما معنى تفسير الآية أعلاه؟ من الذي حاج إبراهيم، هل هو الذي كفر أم غيره، ومن هو غيره؟

شعلان حسن - واسط - الحي

خداوند متعال می فرماید: «آیا آن کسی را که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود را ندیدی که با ابراهیم درباره‌ی پروردگارش محاجّه می کرد؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می کند و می میراند. او گفت: من نیز زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق برمی آورد، تو آن را از مغرب برآور. آن کافر حیران شد؛ چرا که خداوند ستمکاران را هدایت نمی کند» [604]. تفسیر این آیه چیست؟ کسی که با ابراهیم محاجّه نمود، چه کسی بود؟ آیا همان شخص کافر بود یا کس دیگری؟ و اگر کس دیگری بود، چه کسی؟

فرستنده: شعلان حسن - واسط

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الذي جادل إبراهيم (ع) هو نمرود (لعنه الله)، والذي بُهِت هو كل كافر برسالات السماء، نمرود وغير نمرود، كبعض الشيعة أو من يدعون أنهم شيعة ويحاربون وصي الإمام المهدي (ع) ويكفرون برسالات السماء وحجج الأنبياء والأوصياء، وقد وصفهم الباقر (ع) بأنهم ثمود لعنهم الله وأخزاهم وأسكنهم في قعر الجحيم مع أصحاب السقيفة الأولى؛ لأنهم أصحاب السقيفة الثانية، علماء آخر الزمان غير

العاملين الذين خدعوا الناس وحرفوا الدين الإلهي وشرعوا وأحلوا وحرموا بأهوائهم [605].

السيد أحمد الحسن - وصي ورسول الإمام المهدي (ع)

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

کسی که با ابراهیم (ع) مجادله کرد نمرود (لعنت الله) بود و آن کس که حیران و بهت زده شد، تمام کسانی که به رسالت‌های آسمانی کافر بودند، چه نمرود و چه غیر از نمرود، را شامل می‌شود؛ درست مانند برخی کسانی که ادعای شیعه بودن دارند ولی با وصی امام مهدی (ع) به نبرد برمی‌خیزند و به رسالت‌های آسمانی و حجت‌ها خداوند از انبیا و اوصیا (ع) کافر می‌شوند. امام باقر (ع) آنها را به مانند قوم ثمود توصیف می‌فرماید، که لعنت خداوند بر آنها باد و خداوند خوارشان گرداند و در قعر جهنم با اصحاب سقیفه‌ی نخستین همنشین نماید؛ چرا که آنها اصحاب سقیفه‌ی دوم هستند؛ همان علمای آخرالزمان بی‌عمل که مردم را فریفتند و دین الهی را تحریف نمودند و تشریح و قانون‌گذاری کردند و طبق هوا و هوس‌های خود، حرام و حلال نمودند [606].

سید احمد الحسن - وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع)



[603] - البقرة: 258.

[604] - بقره: 258.

[605] - عن الفضل بن العباس، عن أبي عبد الله (ع) أنه قال: (... و قوله: "كَدَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا"، قال: ثمود رهط من الشيعة، فإن الله سبحانه يقول: "وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ" فهو السيف إذا قام القائم (ع)، وقوله تعالى: "فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ "، هو النبي (ص): "نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا"، قال: الناقة الإمام الذي فهمهم

عن الله، (وسقياها) أي عنده مستقى العلم "فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا" قال: في الرجعة "وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا"، قال: لا يخاف من مثلها إذا رجع) بحار الأنوار: ج 42 ص 72. (المعلق).

[606] - از فضل بن عباس از ابا عبد الله (ع) در مورد این سخن خداوند متعال «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا» (قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند) روایت شده است که فرمود: «ثمود، جمعی از شیعه هستند؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید: «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ» (اما قوم ثمود، هدایتشان کردیم و آنها کوری را از هدایت بیشتر دوست می داشتند تا آنکه به خاطر اعمالی که انجام می دادند صاعقه عذاب خوار کننده آنها را فرو گرفت)، که همان شمشیر قائم (ع) است هنگامی که قیام کند و در این سخن خداوند متعال: «فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ» (پس رسول خدا به آنها گفت)، نبی مکرم (ص) می باشد و «ناقة الله وسقياها» (پیامبر خدا به آنها گفت که ماده شتر خداوند است؛ پس او سیرابشان نمود) ناقة (شتر) امامی است که از خدا به آنها آموخت. «وسقياها» (و سیرابشان نمود) یعنی سرچشمه ی علم نزد او است «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (تکذیبش کردند و شتر را پی کردند. پس پروردگارشان به سبب گناهشان بر آنها خشم گرفت و نابودشان کرد). و در رجعت «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» (و از سرانجام کرده ی خویش بیمناک نشد) یعنی در هنگام رجعت، از چنین چیزی هراسی ندارد». بحار الانوار: ج 42 ص 72.